

کجراهه‌های قدرت و گم‌گشتگی نشانه‌ها

« بازخوانی نامه بهمن ماه سال ۶۷ آقایان: کروی، روحانی و جمارانی به آقای منتظری »

صدای حقیقتی که در نامه بهمن ۱۳۶۷ از مردانی رشید شنیده شد، سپیده‌دمی محبوب در شب تاریک فتنه و آشوب بود. اکثر مردم با زیر و رو شدن‌های شگفت‌آور جریانی به نام منتظری در بهت فرو رفته بودند. عزل قائم‌مقام رهبری به ظاهر خسارت سنگینی برای انقلاب اسلامی و نظام نوپای جمهوری اسلامی بود. اما خواص باید همیشه احتمال بقای عاجل خویش را به حساب نیاورند، زیرا احساسات شورانگیز، ناگهان به فوران می‌افتد و چیزی نمی‌تواند جلو آنها را نگه دارد.

شر خطرناکی که محتمل بود جامعه را از ثمرات انقلاب اسلامی و خون هزاران شهید محروم سازد، باید خوابانده می‌شد. مردم ما می‌خواستند واقعیت‌های زندگی آنان مطابق موازین عدل اسلامی مستقر شود، نه الفاظ و نظریه‌های ذهنی. اما دیده می‌شد که عده‌ای امتیازهای ویژه

می‌خواهند و در پناه بزرگان نظام به شرارت مشغول‌اند. قرار بود نظام اسلامی با سه معیار توحید، عقل سلیم و علم صحیح اداره شود، اما عده‌ای بودند که نمی‌خواستند با حفظ اصول مذهبی و انقلابی، و پاک و خالص زندگی کنند.

وقتی ایمان دینی آماج حمله فرقه‌گرایان، دنیاپرستان، ویژه‌خواران و نااهلان قرار می‌گیرد، ملت باید اتحاد خویش را استحکام بخشد و اخلاگران آرامش و امنیت عمومی را تهدید کند. در آن سال نفس‌گیر که ممکن بود پای بسیاری از نخبگان و خواص در ماجرای عزل آقای منتظری بلغزد، سه تن از یاران دیرین امام، انقلاب و نظام، خصلت مریدی و مرادی را به کناری نهادند و به رغم علاقه‌ای که به آقای منتظری داشتند، او را متوجه کجراهه‌های قدرت و گم کردن نشانه‌ها کردند.

اگرچه آقای منتظری گوش شنوایی برای شنیدن صدای حق نداشت و به همان راهی رفت که امام گفته بود: «در این راه آخرت خود را فدا خواهد کرد»، اما نفس نوشته شدن این نامه یازده صفحه‌ای موضوعیت داشت.

جناب آقای منتظری ... این نامه را افرادی به محضر عالی می‌نویسند که در درازای نهضت امام تا پیروزی انقلاب اسلامی و تا به امروز از علاقمندان و وفاداران به شما بوده و اخلاص آنان نسبت به حضرتعالی به ثبوت رسیده است و...

[امضا: مهدی کروبی مهدی جمارانی سید حمید روحانی]

قرار بود این نامه صداقت، درستی و سلامت نفس آقای منتظری را بیدار نماید! اما معلوم نیست امام راحل، آن پیر فرزانه و آن حکیم حکمت‌های توحیدی، در پشت چهره ساده و لاده این مرد چه دیده بود که نوشت شما دست به نوشتن مطالبی خواهید زد که آخرت خود را بر باد می‌دهید.

آقای منتظری به همان راهی رفت که امام در چهره و سیره او دیده بود و نامه این سه یار دیرینه تأثیری نکرد، همان‌طور که نصایح آن پیر فرزانه مؤثر واقع نشد. اکنون تاریخ در یک

چرخش ادواری، یکی از آن سه مرد حق‌طلب را در معرض همان امتحانی قرار داده است که بسیاری از خواص در طول تاریخ اسلام در معرض این امتحان قرار گرفتند.

ما نمی‌دانیم آقای مهدی کروب‌بی به همان راهی خواهد رفت که منتظری رفت، اما می‌دانیم که اگر هنوز صداقت، درستی، معرفت و سلامت نفسی وجود داشته باشد، حداقل جناب کروب‌بی این نامه را که خود، یکی از نویسندگان آن به آقای منتظری بود و او را از افتادن در گرداب‌های فتنه، شبهه و بدعت بر حذر داشت، یکبار خطاب به خود بخواند؛ شاید رحمت الهی شامل پاکمردان شود و آقای کروب‌بی گرفتار آنچه که امام راحل در مورد آقای منتظری پیش‌بینی نمود، نگردد.

بی‌تردید آن باغیان!! و طاغیان که تا دیروز آقای منتظری را به سوی دره هراسناک مقابله با امام و جمهوری اسلامی و ایجاد تفرقه و نفاق در میان مسئولان نظام حول می‌دادند، امروز در اردوی آقای کروب‌بی همان حرف‌هایی را تکرار می‌کنند که در آن روزها تکرار می‌کردند.

اما همان‌طور که در پایان آن نامه به درستی به آقای منتظری گوشزد شد:

آنچه که شما را آسیب‌پذیر ساخته است، بیت و نزدیکان شما و منابع خبری شما است...

و این منابع خبری ناسالم و برخی نزدیکان ناصالح شما را به اشتباهات خطرناکی

واداشته‌اند و دشمن را به شکل دوست و دوستان را دشمن در برابر شما به نمایش

می‌گذارند و عناصر لیبرال و منحرف مانند نهضت آزادی را به شما نزدیک می‌سازند.

اکنون باید به جناب آقای کروب‌بی و دیگرانی که گرفتار این توهم شده‌اند که می‌توانند با تهاجم به ارکان نظام مقدس جمهوری اسلامی، بقای دو روزه خود را در بازی‌های سیاسی دوران تضمین کنند، عرض کرد: مواظب باشید همان اشرار و منافقان سبز و سرخ و لیبرال و دموکرات و امثال ذلک، شما را در همان دره‌ای که آقای منتظری را پرتاب کردند، سرنگون نسازند!!!

فاعتبروا یا اولی الابصار

بسم الله الرحمن الرحيم

۲۹/ بهمن/ ۱۳۶۷

محضر مبارک حضرت مستطاب آیت الله العظمی جناب آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری
دامت افاضاته

با سلام و تحیت، پیش از پرداختن به موضوعات اصلی لازم می‌داند نکاتی را یادآور شود:
الف: از آنجا که یکی از ویژگیهای حضرتعالی صراحت لهجه است، انتظار داریم که از
برخورد صریح و دور از مجامله ما نرنجید و آنرا حمل بر جسارت و اسائه ادب نکنید.

ب: این نامه را افرادی به محضر عالی می‌نویسند که در درازای نهضت امام تا پیروزی
انقلاب اسلامی و تا به امروز از علاقمندان و وفاداران به شما بوده و اخلاص آنان نسبت به
حضرتعالی به ثبوت رسیده است و علاوه بر اعتراف به مقام علمی شما از نظر مقاومت و
ازخودگذشتگی و تحمل رنج‌ها و فشارها شما را اسوه و الگوی کم‌نظیر دوران خفقان رژیم
ستم‌شاهی می‌دانند و در این نگارش جز خیرخواهی و صلاح‌اندیشی و تذکرات مشفقانه و
پیشگیری از ضربه و لطمه ناهنجار به مقام والای آنجناب نظر و اندیشه‌ای ندارند.

ج: این نامه، پس از دیر زمانی بردباری و خویشتن‌داری در برابر یک سلسله برخوردها و
موضع‌گیریهای سؤال برانگیز جنابعالی که برای ما درخور توجیه نبوده است، به حضور عالی
نگارش شده است. امید است که آنرا بر پایه احساسات آنی، جوانی و حساب نشده نانگارید و
توجه داشته باشید که در پی دیرزمانی اندیشه و بررسی همه‌جانبه، به تقدیم آن ناگزیر شدیم.
با وجود این اگر شیوه نگارش دوش‌شان آن مقام معظم است، پوزش می‌خواهیم چون ما را از
آن گریزی نبوده است. والعذر عند کرام الناس مقبول.

د: شما توصیه می‌فرمائید که: «لازم است مردم و کسانی که انتقاد سازنده دارند آزادانه
حرفهای خود را بزنند» امید است که به ما به عنوان سربازانی که در راه اسلام و انقلاب
اسلامی - انشاء الله - فداکاری و خدمتگذاری کرده و می‌کنند، این رخصت را بدهید که دور از
هر گونه سانسور، انتقاد و نظریه خود را لااقل در نامه‌ای در بسته، به حضور عالی بنگارند.

اما مسائلی را که لازم می‌دانیم با آنجناب در میان بگذاریم و درباره آن با کمال ادب و احترام توضیح بخواهیم بدین شرح است:

۱ - برخورد و موضع‌گیری حضرتعالی در ماجرای مهدی هاشمی برای بیشتر دوستان مخلص و ارادتمندان روحانی شما که از نزدیک و دور شاهد موضع‌گیریهای شما بودند، شگفت‌انگیز و حیرت‌آور بود و هنوز نیز این شگفتی و حیرت ادامه دارد. شما خود می‌دانید که نامبرده و باند او عالم روحانی مرحوم شمس‌آبادی و نیز روحانی دیگری را به جرم ساده‌اندیشی و بنا به گفته خود او «عدم اعتقاد به مبارزه» ربودند و به وضع فجیعی به قتل رسانیدند و آنگاه که دستگیر شدند نیز - بنا بر پرونده موجود - نامبرده در خدمت ساواک قرار گرفت و به همکاری با آنان پرداخت. در پی پیروزی انقلاب اسلامی که از زندان آزاد گردید، نیز به شرارت ادامه داد و حشمت و دو فرزند بی‌گناه او را به وسیله باند خود ربود و به قتل رسانید و آنگاه که از سوی حضرتعالی علیرغم هشدارها و تذکرات خیرخواهانه حضرت امام و برخی از مسئولان و دوستان، به مسئولیت نهضتها گماشته شد، می‌دانید که چگونه در افغانستان میان برادران مسلمان کشت و کشتار و برادرکشی راه انداخت و فتنه‌ها برپا کرد. و سرانجام خون‌های ناحق ریخته گریبان او و باند او را گرفت و از سوی مسئولان نظام جمهوری اسلامی دستگیر و تحت پیگرد قانونی قرار گرفت و به جنایات خود اعتراف کرد و به جزای اعمال خود رسید در این میان انتظار می‌رفت که حضرتعالی در پی آگاهی از جنایات و آدم ربائیها و خون‌ریزیها و ده‌ها جنایت و خیانت دیگر او که در پرونده‌های او منعکس است و خود به خوبی از آن آگاهید، نه تنها از او و باند او اظهار تبری و انزجار کنید و از مسئولان امرکیفر هر چه سریعتر آنانرا بخواهید بلکه از وجود چنین جنایتکاران خونخوار و خدانشناس در میان بیت خود به شدت نگران شوید و به خود آییند و در راه پاک‌سازی بیت خود از عناصر منحرف و وابسته به باند مهدی بکوشید و از مقامات و مسئولانی که در راه ریشه‌کن کردن این ماده فساد تلاش کرده‌اند، سپاسگذاری کنید و خود را مرهون آنان بدانید، لیکن متأسفانه حضرتعالی نه تنها چنین نکردید بلکه تا واپسین روز زندگی او می‌کوشیدید که او را از کیفر

قانونی برهانید؟! آیا این موضع حضرتعالی را می‌توان با موازین قانونی، مطابق دانست؟

۲ - شما در سخنرانیها و موضع‌گیریهای خود از پابندی به قانون، عدم تجاوز به قانون و حرکت بر پایه قانون، فراوان سخن می‌گوئید. پرسشی که برای ما مطرح است این است که آیا پیروی از قانون برای دیگران است؟! یعنی این مسئولان نظام جمهوری اسلامی و امت قهرمان‌پرور ایران هستند که باید قانون را رعایت کنند؟ لیکن اطرافیه‌های شما از هفت دولت آزادند؟! اگر چنین نیست پس چگونه:

الف: خبر کشته شدن حشمت و دو فرزند او به دست باند مهدی، نه تنها شما را تکان نداد بلکه تا آنجا که امکان داشت از قاتلان آنان حمایت کردید. در صورتی که اگر حشمت و دو فرزند او باید به چنین کیفری می‌رسیدند، این وظیفه دادگاه انقلاب و دستگاه‌های قضائی بود، نه وظیفه مهدی و باند او. شما چگونه است که از دریافت قتل حشمت و فرزندان او، به دست باند مهدی تکان نخوردید، لیکن آنگاه که خبردار شدید که مشتی منافق و محارب را طبق موازین قضائی محاکمه و اعدام کرده‌اند، به نامه‌نگاری دست زدید و در دیدار با برخی از مقامات قضائی این کار را جنایت خواندید و آنانرا جانی نامیدید؟ شگفتا! مهدی و باند او اگر مردم را بدزدند و بکشند جانی نیستند، لیکن مقامات قضائی نظام جمهوری اسلامی اگر شماری از توطئه‌گرانی را که نقشه براندازی دارند، محاکمه و اعدام کنند، جانی هستند؟!

ب: شما آنگاه که خبردار شدید که یکی از افراد باند مهدی اوراق و اسناد نخست‌وزیری را دزدیده است اظهار داشتید که «شاید تصمیم داشته در آینده نخست‌وزیر بشود و می‌خواسته است اطلاعاتی از چون و چند کار نخست‌وزیری داشته باشد»!

آیا اگر فردا خبردار شوید که یکی از علما - العیاذ بالله - به بیت شما دستبرد زده است و شماری اسناد و مدارک را ربوده است و توجیه او این است که چون قصد دارد در آینده قائم‌مقام رهبر شود، برای آشنائی با اوضاع و شرایط قائم‌مقامی به این کار دست زده است، با او چه رفتار و معامله‌ای خواهید کرد و چه دیدی نسبت به او خواهید داشت؟ آیا درباره او نیز چنین اظهارنظری خواهید فرمود؟

ج: سعید آیت‌الله‌زاده در حضور حضرتعالی به جعل سند علیه دکتر هادی و سید صادق روحانی اعتراف کرد و صریحا اعلام داشت که با سند جعلی، آنانرا ساواکی جازده است و در حقیقت با بدترین شیوه با آبرو و حیثیت آنان بازی کرده است. شما که درباره قانون و حیثیت افراد آن‌گونه داد سخن می‌دهید لطفا بفرمائید که درباره این کار خلاف قانون نامبرده چه واکنشی از خود نشان دادید؟!

د: حجت‌الاسلام آقای سید هادی هاشمی بنا بر اتهاماتی که در پرونده او موجود است و اعترافاتی که مهدی و باند او علیه نامبرده کردند، طبق قانون، به بازجوئی فراخوانده شد. حضرتعالی روی احترام به کدام قانون او را در بیت خود مخفی کردید و اعلام داشتید که بازجوئی و محاکمه او بازجوئی و محاکمه من است؟! و نیز روی چه مجوزی شماری از هم پرونده‌های مهدی هاشمی مانند جعفرزاده قاتل را در درون بیت شما پنهان ساختند و اجازه ندادند که طبق قانون دستگیر و کیفر داده شوند؟

راستی کسی که تحت تأثیر اطرافیه‌های خود، به این آسانی قانون را نادیده می‌گیرد و قانون‌شکنی‌ها و آدمکشی‌های آنانرا نمی‌بیند چگونه می‌تواند از قانون دفاع کند و قانون را حاکم سازد؟!

۳ - شما در سخنرانیها و موضع‌گیریهای خود از تبعیض نیز گله‌مندید و آنرا به حق برای اسلام و انقلاب اسلامی و جامعه روحانیت زیان‌آور می‌دانید. لیکن بار دیگر تحت تأثیر جو حاکم در بیت خود درباره سعید آیت‌الله‌زاده، خود تبعیض قائل می‌شوید و آنگاه که او را به اتهام جعل سند، احضار می‌کنند، از فرستادن او به بازجوئی ممانعت به عمل می‌آورید و تنها با بازجوئی او در حضور خود شما موافقت می‌فرمائید؟! و آنگاه که در حضور شما صریحا اعتراف می‌کند که علیه دکتر هادی و سید صادق روحانی سند جعل کرده است ولی از نوشتن این اعتراف سرباز می‌زند، شما نیز از او حمایت می‌کنید و با پرخاش می‌گوئید چرا می‌خواهید از او نوشته بگیرید؟ آیا می‌خواهید او را به محاکمه بکشید؟! و این‌گونه به ماجرا پایان می‌بخشید.

و درست چند روز پس از این جریان طی یک سخنرانی اعلام می‌دارید که تبعیض غلط است، ما نباید میان خودی و بیگانه فرق بگذاریم! ما باید از حکومت حضرت علی درس بیاموزیم که فرمود اگر عاریه مضمونه نبود اولین هاشمیه‌ای بودی که دستت را قطع می‌کردم و... .

۴ - شما از سانسور در رسانه‌های گروهی انتقاد می‌کنید و از این نگرانید که «اگر اینطور باشد کار به جایی می‌رسد که حرف من طلبه را هم که از اول انقلاب در کنار مردم و همراه با انقلاب اسلامی بوده‌ام سانسور می‌کنند...»!

شگفتا! چگونه است امروز که رسانه‌های گروهی بیانیه حضرت امام درباره مهدی هاشمی را پخش می‌کنند، با پرخاش می‌گوئید که چرا این موضوع را بوق کرده‌اند؟ و آنگاه که خبر به شما می‌رسد که رادیو و تلویزیون می‌خواهد اعترافات مهدی را پخش کند می‌کوشید که حتی با تهدید از پخش آن جلوگیری کنید و نگذارید که امت اسلامی جنایات مهدی را از زبان او بشنوند!

آیا به نظر شما سانسور پیام رهبر انقلاب اسلامی که در راه این انقلاب همه هستی خود را فدا کرده است در صورتی که شما صلاح بدانید بی‌اشکال است و سانسور اعترافات مهدی و باند او نیز باید انجام بگیرد و تنها سانسور نظریات شما خلاف قانون است؟!

۵ - شما اعلام می‌دارید که: «متأسفانه دیده می‌شود طوری شده است که افراد خوب از ترس پرونده‌سازی نمی‌توانند نفس بکشند»!! با پوزش از محضرعالی باید عرض کنیم سیاه باد روی آن شیادانی که دور شما را گرفته‌اند و هر روز به گونه‌ای برای شما جو را ترسیم می‌کنند. روزی به شما می‌باوراند که مردم تا آن پایه ناراضی هستند که به مقامات مسئول کشور و روحانیان، در کوچه و خیابان آشکارا هتاک می‌کنند و روز دیگر وانمود می‌کنند که «افراد خوب هم از ترس پرونده‌سازی نمی‌توانند نفس بکشند» و حضرتعالی نیز بدون مطالعه و اندیشه روی آن گفته‌ها، آنرا باور می‌کنید و بر زبان می‌رانید.

اگر حکومت تا آن پایه ضعیف است که مردم در کوچه و بازار به مقامات مسئول کشور آشکارا ناسزا می‌گویند چگونه توان پرونده‌سازی دارد و چگونه افراد خوب نمی‌توانند نفس

بکشند؟

آیا براستی افراد خوب از ترس نمی‌توانند نفس بکشند که «خوبان» بیت شما بی‌پروا و آشکارا به امام، مسئولان و مقدسات این انقلاب همه‌گونه جسارتها را روا می‌دارند؟! آیا این اشرف خانم صبیح جنابعالی نیستند که از قم تا قهدریجان و تا هرجائی که صدای او برسد به امام عزیز و جان امت اسلامی اهانت می‌کند و عکس حضرت امام را در برابر چشمان شما از دیوار می‌کند؟! آیا این سعید آیت‌الله‌زاده نیست که فرزند عزیز امام، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج سید احمد خمینی را به جرم آنکه اجازه نداده است بیت امام نیز مرکز جاسوسان، آدمکشان و باندبازان قرار بگیرد و برای رسیدن به قدرت باند آدمکشی تشکیل نداده است «احمد شاه» می‌نامد!! و حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی را به جرم آنکه از آغاز نهضت امام با فداکاری و پایداری در کنار امام ایستاده است و برای بیرون راندن دیگران از صحنه به جعل سند دست نزده است «اکبر شاه» می‌خواند!!



آیا حضرتعالی شب‌نامه‌های نهضت‌آزادی را که در آن امام، مسئولان و اصولاً نظام جمهوری اسلامی را به زیر سؤال می‌برند مطالعه نمی‌کنید؟!

آیا سخنرانیهای عناصر وابسته به انجمن حجتیه و پیروان تز «اسلام منهای روحانیت» را علیه مقامات و مسئولان کشور نمی‌شنوید؟!

آیا خدا راضی است که با اینگونه سخنان، برای رادیوهای بیگانه و ضد انقلاب خوراک تهیه کنید و اصل نظام جمهوری اسلامی ایران را به زیر سؤال ببرید؟!

حضرت آیت‌الله!

شما خوب می‌دانید که امت قهرمان پرور ایران هرگز تحمل کوچکترین اهانت به ساحت مقدس حضرت امام را ندارد و این حقیقت در دوران ستم‌شاهی بارها ثابت شده است. راستی اگر روزی این ملت با خبر شود که در بیت شما نسبت به عکس امام چه جسارتی شده است می‌دانید با آن بیت چه خواهند کرد؟!

شما مداحی و ثناگوئی را نکوهش کرده‌اید! آیا ممکن است توضیح بفرمائید که منظور شما چه می‌باشد. تا آنجا که ما می‌دانیم در صدا و سیما، خطبه‌های نماز جمعه، نطق قبل از دستور و در قطعنامه‌ها جز از امام و حضرتعالی از هیچ مقامی مدح و ثنائی نمی‌شود و مداحی از امام از باب «فاما بنعمت ربک فحدث» و «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» وظیفه همه مسلمانان است و ما چه بخواهیم و چه نخواهیم امت حق‌شناس ایران از این وظیفه هرگز سر باز نخواهد زد. هر چند ممکن است باند آدمکشان را خوش نیاید.

۶ - شما همیشه در برخورد با مسئولان و مقامات قضائی از عفو زندانیان گروهکی سخن می‌گوئید و آزادی آنانرا می‌خواهید. با وجود آنکه بارها برای شما ثابت شده است که بسیاری از آنان به سبب اصرار و پافشاری شما مورد عفو قرار گرفتند و آزاد شدند و با شناسائی بیشتر از پاسداران و بسیجیان دست به آدمکشی و ترور زده خون عزیزان ما را ریخته‌اند، لیکن هرگز اینگونه رویدادها در موضع شما در پشتیبانی از زندانیهای گروهکی تغییری پدید نیاورده است. این موضع شما برای ما سؤال برانگیز است ما مطمئن هستیم که عناصر مرموز

بیت، در این موضع‌گیری شما نقش اساسی دارند.

۷ - شما در سخنرانیهای خود روی این نکته بارها تاکید دارید که برخی از شعارهایی که دادیم غلط بود، تندروی بود موجب رمیدن افکار جهانی شد! حتی در دیدار با هیئت فلسطینی سفارش کردید که اشتباهی را که ما مرتکب شدیم شما تکرار نکنید، شعار نابودی اسرائیل را سر ندهید.

باید این نکته را یادآور شویم که استکبار جهانی برای منحرف کردن مسیر یک انقلاب، نخست از این راه وارد می‌شود که به برخی از سردمداران انقلاب بیاوراند که قاطعیت و انعطاف‌ناپذیری و ایستادگی روی آرمانهای انقلاب غیر عملی و موجب انزوای کشور انقلابی در جهان می‌شود! و می‌کوشند افکار جهانی را به شکل لولوی سر خرمن، در برابر چشمان مسئولان انقلاب، پیوسته به رژه وادارند.

غافل از آنکه، افکار جهانی را مثنی زراندوزان بی وجدان، رفاه‌طلبان بی‌درد و انسانهای تهی از انسانیت می‌سازند و آنانکه در کشورهای مقتدر و استکباری هنوز از انسانیت تهی نشده‌اند، خود از بسیاری حقوق محرومند و در معادلات جهانی نقشی ندارند.

مسئولان نظام جمهوری اسلامی باید بکوشند شعارها و آرمانهایی را دنبال کنند که مورد پشتیبانی امت قهرمان پرور ایران است و خانواده‌های معظمی در راه تحقق آن آرمانها بهترین عزیزان خود را فدا کرده‌اند و هر گونه کمبود، کاستی و ناراحتی را در راه پیشبرد آرمانهای مقدس انقلاب تحمل می‌کنند و مسلماً هیچگاه از آرمانهای مقدس خود دست نمی‌کشند و به آن پشت نمی‌کنند.

آری ما باید بکوشیم شعارها و آرمانهایی را که امت اسلامی در راه پیاده کردن آن قربانیها داده رنجها برده و می‌برد حفظ کنیم و جامه عمل بپوشانیم. نه آنکه برای خوشایند بی‌تفاوت‌ها، رفاه‌طلب‌ها سرمایه‌داران و سوداگران اروپا و آمریکا، به شعارهای اسلامی - انقلابی پشت کنیم و آنرا غیر عملی بخوانیم.

۸ - شما می‌فرمائید «هر کس باید اعمال خود را محاسبه و اشتباهات خود را جبران کند... و

در پی برطرف کردن نواقص و رفع اشتباهات برآیند» البته پیشنهاد ارزنده و اسلامی است و همه وظیفه‌مندند به حساب خود برسند پیش از آنکه به حساب آنان رسیدگی شود لیکن باید دید حضرتعالی در این زمینه چه گامی برداشتید؟ اگر حضرتعالی نگاهی به گذشته‌های خود بکنید و اشتباهات گذشته را دریابید، شاید امروز بتوانید در برخوردهای خود جانب احتیاط را رعایت کنید و به این حقیقت برسید که ممکن است امروز نیز مانند دیروز در اشتباه باشید.

شما یک روز به کتاب شهید جاوید تقریظ نوشتید و روز دیگر با فشار نیروهای منفی درصدد برآمدید که آنرا رد کنید و توبه‌نامه بنویسید که برخی از دوستان نگذاشتند که هر دو کار اشتباه بود. شما شهید قهرمان محمد منتظری را تحت تأثیر گفته‌های دیگران، روانی خواندید. در صورتی که امام را هرچه تحت فشار قرار دادند تا کلمه‌ای علیه محمد بر زبان آورند نپذیرفتند. و خدا می‌داند که لیبرالها و ملی‌گراها از این اظهارنظر شما درباره او چه بهره‌برداریهایی سوء کردند و در مجلس شورای اسلامی او را از قول شما دیوانه خواندند! شما علیرغم توصیه‌ها و تذکرات حضرت امام که از نجف درباره مهدی دید منفی داشت و نیز دوستان دلسوز، مهدی هاشمی را مسئولیت دادید و دست او را باز گذاشتید و در نتیجه دیدید که با بهره‌برداری سوء از امکانات بدست آورده، به چه جنایاتی در ایران و افغانستان دست زد و امروز نیز علیرغم هشدارها و رهنمودهای حضرت امام و بیشتر دوستان وفادار و دلسوز، از پاکسازی بیت خود، خودداری می‌ورزید و در نتیجه می‌بینیم که اطرافیه‌ها و نزدیکان شما برآنند که شما را گام به گام از راه انقلاب جدا سازند و شما را نسبت به انسانهای متعهد و فداکار و انقلابی بدبین سازند و آدمکشان و سرمایه‌دارها و لیبرالها را در دید شما قهرمانان مبارزه با آمریکا جا بزنند!

شما دیگران را از یک‌دندگی و لجاجت منع می‌کنید لیکن خود در برابر این همه دوستان دیرینه و خیل خیراندیشان که از سالهای متمادی و از دوران‌های بسیار گذشته آنانرا می‌شناسید و به اخلاص و تعهد آنان ایمان دارید سرسختی نشان می‌دهید به گونه‌ای که انگار همه آنان در مسیر مخالف انقلاب حرکت می‌کنند و یا نمی‌فهمند و در اشتباهند و تنها چند نفری

که گرداگرد شما حلقه زده‌اند دلسوز انقلاب می‌باشند و درست می‌اندیشند!

۹ - شما پیوسته به مسئولان گوشزد می‌کنید که نیروها را کنارزنید، افراد کاری را حذف نکنید لیکن می‌بینیم که امروز برخی عناصر درستکار و متعهد از بیت شما کنار زده شده و یا منزوی گردیده‌اند و سعید آیت‌الله‌زاده با اهانت از افرادی که در باند نیستند کلید تحویل می‌گیرد!!

۱۰ - گفتن ندارد که در نظام جمهوری اسلامی، کمبودها و کاستی‌هایی وجود دارد که برخی از آن از پیامدهای انقلاب نو پا و جنگ تحمیلی می‌باشد و اجتناب ناپذیر است و برخی نیز به سبب بی‌تجربگی و عدم کارایی برخی از مسئولان به وجود آمده است و قهرا با تذکرات و راهنماییهای مشفقانه، همراه با ارائه طرح و برنامه می‌توان آنرا برطرف ساخت. اما این شیوه‌ای که شما در پیش گرفته‌اید که ضعف‌هایی را که اطرافیا و نزدیکان در نظر شما بزرگ جلوه می‌دهند، بدست می‌گیرید و با بوق و کرنا به رخ مسئولان می‌کشید، بدون آنکه راه حلی ارائه دهید، نه تنها شیوه‌ای سازنده و اصلاحی نیست بلکه از یک سوء، برای دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی خوراک تبلیغاتی فراهم می‌کند و از سوی دیگر نظام را زیر سؤال می‌برد و تضعیف می‌نماید. این شیوه آنهایی است که کنار گود نشسته‌اند و همه مشکلات کشور را یک روزه حل می‌کنند.

شما خوبست به جای حمله به این و آن، به ارشاد و راهنمایی بپردازید و ضمناً به کارهایی که خود انجام می‌دهید بنگرید تا دریابید که تا چه پایه‌ای در صحنه عمل موفق بوده‌اید. آن بند ج که درباره آن نتوان سخن گفت و این نمایندگان شما در دانشگاه‌ها که برخی از آنان مایه شرمساری و دور داشتن دانشجو از روحانی شده‌اند و دیگر مجالی برای شرح آن نیست.

ما در پایان لازم می‌دانیم که راه امام و خط امام را به شما یادآوری کنیم. ما بر این باوریم که حضرت‌عالی اگر به زندگی و راه امام عنایت بیشتری داشته باشید و آن را دریابید و به کار بندید در زندگی سیاسی شما ۱۸۰ درجه دگرگونی پدید خواهد آمد و راه دیگری در پیش خواهید گرفت.

حضرت انجاء و نطفه می کند و لا سید عید روحانی در این نگارش، سیم هست، می توانست درگاه امام مدبره
مدرس در نجف را برای شما بزرگو گنجد

ما طین داریم در حضرتعالی بالهام از اندک کرامت و رحمت و مهر حضرت امام بزرگوار، می تواند
به بهترین شیوه در مقام اصلاح و پاک زنی بیت خود برآید، عناصر باب را از درگاه خود برانید
و نزدیکان را از دفاکت در امور سیاسی و اجتماعی خود منع کنید
شما از اصلاحات، فراوان سخن گفته اید و رهنمود داده اید لیکن هیچگاه به سبب جوی نیاورده برخی از
اطراف و نزدیکان نتوانستید به اصلاح بیت خود دست بزنید یعنی اسباب بی فرصت آید
در این باره را نداده اند

صداقت، درستی و سلامت نفس شما بر عملکنان آشکار است، لیکن آنچه در شما آید
سختی است بیت و نزدیکان شما و مانع دیگر است در تقاضای کام است، و این مانع
خبر ناسالم و برخی نزدیکان ناصالح شما به اشتباهات خطرناکی وارد شده اند و دشمن را به شکل
و صورت ناردشمن در برابر شما می گذارند و عناصر لبرال و مخوف نمانند نهضت آزادی را به شما نزدیک می کنند
ما از این بگریزیم در این روش و شیوه شما صبر برادران انفسد می شود و وفاداری شما را بریزد و آثار را به گوش
نام ها سرگشته ده و استفاده از رسانه ها گرو صبر را برانگیزد و بی جنبه و تو می خدای حق برای
است اسلحه ها، با گریز نزد درازان به خدا پناه می گیریم

ما رسا اعلام می داریم که تا پنج خبری و تشکیلات درونی شما (اصلاح) می گردد، این سه بهر گشتن است
و هرگز تحمل حیدر توانست و نظایف و مسئولیت های را در در قبال اعلام و نهادهای سیاسی بر دوش دارد به درستی
به پایان برسد بلکه ممکن است خداوند خواسته به خود رسد و انهدب زیادهای جبران ناپذیر را وارد کند
این حقیقت را می توانید با مطالعه در زندگانی برخی علی در هیچ گذشته در صحرای اطراف و نزدیکان بوده اند به خوبی
به دست آورده قرآن می فرماید: لقد کان فی قصصهم عبرة للاولی الدلیب و بعد علم علیکم در حق

سید عید روحانی
۲۹/۱۱/۶۷

مهدی زوی کسری
۲۹/۱۱/۶۷
۲۹/۱۱/۶۷

از ویژگیهای برجسته و ارزنده امام این است که تأثیرناپذیرند و این ویژگیها معظم له را از بسیاری خطرهای مصون داشته است. در آن روزگاری که در نجف اشرف، در غربت به سر می‌بردند، نامه‌ها پیامها و فشارهای همه جانبه بیشتر یاران و دوستان ایشان نتوانست معظم له را تحت تأثیر قرار دهد و به پشتیبانی از منافقین وادارد. و چنانکه در بالا اشاره شد در باره شهید محمد نیز تلاشهای فراوانی شد تا امام کلمه‌ای علیه او بر زبان آورد و نیز درباره برخی از چهره‌هایی که در محافل روشنفکری محبوبیتی داشتند و نیز پیرامون برخی گروه‌ها و انجمن‌ها که متأسفانه امروز نیز در مراکز حساس جاکش کرده‌اند، بارها تلاشهایی به عمل آمد تا از امام تأییدی بگیرند که به سبب بیداری و هوشیاری امام، همه آن تلاشها ناکام ماند و تأثیر ناپذیری امام بر همگان ثابت و آشکار گردید.

موضع امام علیه مهدی هاشمی در نجف اشرف که حتی به برادران روحانی نجف، اجازه تحصن و اعتصاب برای نجات جان او را نداد، آموزنده و پندآمیز است (در این زمینه آقای انصاری که در خدمت حضرتعالی انجام وظیفه می‌کنند و آقای سید حمید روحانی که در این نگارش، سهیم است، می‌توانند دیدگاه امام درباره مهدی در نجف را برای شما بازگو کنند). ما اطمینان داریم که حضرتعالی با الهام از تذکرات و رهنمودهای حضرت امام بزرگوار، می‌توانید به بهترین شیوه‌ای در مقام اصلاح و پاکسازی بیت خود برائید، عناصر ناباب را از درگاه خود برانید و نزدیکان را از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی خود منع کنید. شما از اصلاحات، فراوان سخن گفته‌اید و رهنمود داده‌اید لیکن هیچگاه به سبب جوسازیهای برخی از اطرافیه و نزدیکان نتوانستید به اصلاح بیت خود دست بزنید یعنی اساساً به شما فرصت اندیشیدن در این باره را نداده‌اند.

صداقت، درستی و سلامت نفس شما بر همگان آشکار است، لیکن آنچه که شما را آسیب‌پذیر ساخته است بیت و نزدیکان شما و منابع خبری شما است که متأسفانه ناسالم است. و این منابع خبری ناسالم و برخی نزدیکان ناصالح شما را به اشتباهات خطرناکی واداشته‌اند و دشمن را به شکل دوست و دوستان را دشمن در برابر شما به نمایش می‌گذارند و عناصر

لیبرال و منحرف مانند نهضت آزادی را به شما نزدیک می‌سازند. ما از این نگرانیم که این روش و شیوه شما صبر برادران انقلابی و وفادار به شما را لبریز کند و آنانرا به نگارش نامه‌های سرگشاده و استفاده از رسانه‌های گروهی برای پاسخگوئی به جنابعالی و توضیح حقایق برای امت اسلامی، ناگزیر سازد که از آن به خدا پناه می‌بریم.

ما رسماً اعلام می‌داریم که تا منابع خبری و تشکیلات درونی شما اصلاح نگردد، این ره به ترکستان است و هرگز نخواهید توانست وظایف و مسئولیتهائی را که در قبال اسلام و انقلاب اسلامی بر دوش دارید به درستی به پایان ببرید بلکه ممکن است خدای نخواست به خود و اسلام و انقلاب زیانهای جبران‌ناپذیری وارد کنید. این حقیقت را می‌توانید با مطالعه در زندگی برخی‌علماء و مراجع گذشته که در محاصره اطرافیها و نزدیکان بوده‌اند به خوبی به دست آورید که قرآن می‌فرماید: لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب - والسلام علیکم ورحمه الله

مهدی کربوبی مهدی جمارانی سید حمید روحانی

۶۷/۱۱/۲۹ ۶۷/۱۱/۲۹ ۶۷/۱۱/۲۹